

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۹۵



وزارت علوم تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
دانشکده الهیات
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

تطبیق احکام احتکار در فقه اسلامی با قوانین جمهوری اسلامی ایران

مجید ساده دشت

استاد راهنما:

حجت السلام والمسلمین دکتر رضا الهامی

استاد مشاور:

دکتر محمد امین فرد

آذر ۱۳۸۵

تبریز / ایران

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۲۵

کتابخانه اطلاعیه‌های مرکز تحقیقات
تربیت معلم آذربایجان

۱۴ ۳ ۷ ۸

۱۳۸۶
۱۲
۲۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
اداره کل تحصیلات تکمیلی

به نام خدا

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه کتبخ/ آقای مجید ساره دست
تحت عنوان تطبیق احکام احکام رد رفته اسدی با قرآن جمهوری اسلامی ایران
را از نظر شکل و محتوا بررسی نموده، پذیرش آن را جهت نایل به درجه کارشناسی ارشد مورد تأیید قرار دادند.

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۵- استاد راهنما	دکتر رضا الهی	استاد	
۶- استاد مشاور	دکتر مهاسین فرد		
۷- استاد ناظر (داور)	دکتر کریم علیمحمدی		
۸- استاد ناظر			
۹- نماینده اداره تحصیلات تکمیلی			

◀ تقدیم ▶

به علت اینکه نام مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله زینت بخش این پایان نامه باشد؛ این چند صفحه را به محضر بزرگوار ایشان تقدیم می کنم. گرچه کار حقیر شایستگی تقدیم به آن علت آفرینش هستی را ندارد، اما بهانه ای می شود که با عنایت خداوند و توجه صاحب العصر والزمان (عج) (روحی له الفدا) همانند گذشته لطف آن اشرف مخلوقات شامل حال اینجانب بشود و در راه سختی که در پیش دارم از کمک و انعام آنحضرت بهرمنند شوم.

ان شاء الله

تقدیر و تشکر :

خداوند متعال پس از یادآوری نعمت ها می فرماید :
«ای فرزندان داود(ع) شکرگزاری کنید و بندگان شکور من اندک
هستند.» و در عبارتی است : کسیکه شکرگزار بندگان نباشد از
خداوند هم شکرگزاری نمی کند. یعنی شکرگزاری از بندگان،
غیر مستقیم شکرگزاری از خداوند است .

اینجانب بر حسب وظیفه دینی و اخلاقی از اساتید بزرگوار :

۱- جناب آقای حجت الاسلام دکتر رضا الهامی

۲- جناب آقای دکتر محمد امین فرد

که از نعمت های ارزشمند خداوند هستند و همچنین از سایر
اساتید و دوستان که به نوعی از وجود پربرکت ایشان بهره مند
شده ام از صمیم دل تشکر می نمایم . امیدوارم که اساتید
بزرگوار در سعادت و سلامت کامل بوده و با وجود پرفیض شان
طالبان علوم اسلامی را بهره مند بنمایند .

مجید ساده دشت

آذر ۱۳۸۵/

ایران / تبریز

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ج	چکیده
۱	مقدمه
فصل اول: معانی لغوی و تعاریف اصطلاحی احتکار	
۴	۱-۱ معانی احتکار در لغت
۶	۲-۱ تعریف احتکار در بیان فقهای مشهور شیعه و اهل سنت
۹	۳-۱ معنی و مفهوم احتکار در روایات و احادیث اسلام (بیان شرعی احتکار)
۱۱	۴-۱ نتیجه گیری از فصل یک
فصل دوم: چگونگی محقق شدن احتکار یا (شرایط تحقق احتکار)	
۱۲	۱-۲ احتیاج مردم
۱۴	۲-۲ احتکار برای افزایش قیمت
۱۵	۳-۲ نبودن فروشنده یا بذل کننده دیگر
۱۶	۴-۲ شرط خرید کالا توسط محتکر
۱۸	۵-۲ مدت زمان تحقق احتکار
۲۰	۶-۲ نتیجه گیری از فصل دو
فصل سوم: بررسی موارد و اجناس احتکاری	
۲۱	۱-۳ روایات و نصوص دال بر حصر موارد احتکار (منع احتکار در اجناس محصوره)
۲۲	۲-۳ اقوال فقها درباره موارد احتکار
۲۴	۳-۳ بررسی اخبار و احادیث راجع به احتکار و موارد آنها
۲۹	۴-۳ شامل شدن موارد احتکار به سایر طعام و کالاهای ضروری (تعمیم موارد احتکار)
۲۹	۳-۴-۱ توجه به مفاهیم احادیث راجع به احتکار
۳۱	۳-۴-۲ وجود روایاتی دال بر عمومیت موارد احتکار
۳۳	۳-۴-۳ قاعده لا حرج و لا ضرر
۳۳	۳-۴-۴ بوجود آمدن کالاها و نیازهای جدید و لزوم داشتن احکام آنها
۳۶	۵-۳ نتیجه گیری از فصل سه
فصل چهارم: احکام احتکار و محتکر	
۳۷	۱-۴ احکام اخروی عمل احتکار برای محتکر
۳۹	۲-۴ احکام دنیوی احتکار
۳۹	۱-۲-۴ اجبار بر فروش اجناس احتکار شده
۴۱	۲-۲-۴ قیمت گذاری بر کالاهای احتکاری
۴۸	۳-۲-۴ احکام معامله با محتکر
۴۹	۴-۲-۴ نتیجه گیری از فصل چهارم

فصل پنجم: بررسی نظریه های حرمت و یا کراهت اختکار

- ۵۰ نظرات و دلایل معتقدین به کراهت اختکار
- ۵۲ نظرات و دلایل معتقدین به حرمت اختکار
- ۵۵ نتیجه گیری از فصل حرمت یا کراهت اختکار

فصل ششم: مقایسه قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران و مجلس شورای اسلامی درباره اختکار با فقه اسلامی

- ۵۶ ۱-۶ بحثی در مسئولیت و مشروعیت دخالت دولت اسلامی (درباره اختکار) و محدوده دخالت آن
- ۵۹ ۲-۶ بیان قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران و مجلس شورای اسلامی در باره اختکار
- ۶۷ ۳-۶ نتیجه گیری از تطبیق قوانین مصوب نظام جمهوری اسلامی ایران با احکام فقه اسلامی
- ۶۹ ۴-۶ خلاصه و نکات اصلی پایان نامه

۷۰ فهرست آیات

۷۱ فهرست احادیث

۷۴ فهرست منابع و مآخذ

۷۸ چکیده به زبان انگلیسی (Abstract)

چکیده :

در این پایان نامه ابتدا احتکار و احکام آن شناسایی می شود سپس احکام فقه اسلامی درباره احتکار بیان می شود و بعد از آن به بررسی تطبیقی قوانین موجود در نظام جمهوری اسلامی ایران با آراء فقها و حکم شرعی پرداخته می شود.

این پایان نامه در شش فصل تدوین شده است : در فصل اول ابتدا احتکار از لحاظ لغوی تعریف ، سپس تعاریف فقها و روایات و احادیث مربوط به احتکار بیان شده و در آخر نتیجه گیری می شود .

در فصل دوم از چگونگی تحقق احتکار بحث می شود که شرایط عمده آن: احتیاج مردم ، نبودن فروشنده ای دیگر و یا نبود احسان و بذل کننده دیگر و شرط خرید کالا و مدت زمان احتکار و افزایش قیمت کالا می باشد . با توضیح موارد مذکور و بیان محقق شدن شرایط احتکار از فصل نتیجه گیری می شود .

فصل سوم بحث در باره اجناس (موارد) احتکار است و مبنای بحث این است که آیا موارد احتکار فقط در کالاهایی چند از قبیل (گندم ، جو ، خرما ، کشمش ، روغن و زیتون و نمک) محصور هستند یا در سایر کالای ضروری هم احتکار واقع می شود و پس از بحث و بررسی روایات و نظرات فقها نظر دوم پذیرفته می شود یعنی احتکار عمومیت دارد در هر کالای ضروری . و در نتیجه گیری برای عمومیت دادن موارد احتکار دلایلی آورده می شود که مهمترین آن دلیل ها قاعده لاضرر و لا حرج و وجود روایات عام و تغییر اوضاع و زمان و ذائقه افراد و نظر بعضی از فقهای متأخر می باشد .

در فصل پنجم درباره کراهت یا حرمت احتکار بحث شده و ابتدا نظرات فقهای معتقد به کراهت و دلایل ایشان آمده است و بعد از آن نظرات فقهای معتقد به حرمت و نظرات ایشان ذکر شده و در خاتمه نتیجه گیری می شود و رأی به حرمت احتکار پذیرفته می شود .

فصل ششم آخرین فصل این پایان نامه است در این فصل ابتدا قوانین موجود در نظام جمهوری اسلامی (مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام) درباره احتکار که پس از انقلاب اسلامی تدوین شده اند آورده ایم و موارد آنها را از قبیل مواد و تبصره های آن یک به یک با احکام فقه اسلامی مطابقت داده ایم و از این فصل و تمام فصل ها بطور خلاصه نتیجه گیری کرده ایم که عبارتند از :

۱- باید با احتکار مقابله کرد.

۲- اجناس احتکاری برای عموم کسانی که محتاج به آن کالا هستند به قیمت عادلانه فروخته می شود

۳- در فقه اسلام جریمه و زندان برای محکوم نیامده ولی به تعزیر در بعضی جاها اشاره شده است اما در قوانین موجود تعزیر در معنی عام یعنی

زندان ، جریمه ، و شلاق آمده است بنظر می رسد که تعزیر آخرین راه چاره مقابله با احتکار است .

۴- موارد احتکار شامل تمام کالاهای ضروری می شود و شامل کالاهای لوکس و تجملاتی نمی شود.

کلید واژه ها : فقه اسلامی - احتکار - اجبار بر فروش - قیمت گذاری - محکوم - تعزیر

مقدمه

دین مبین اسلام به تمام جنبه های مادی و معنوی انسانها بطور کامل توجه دارد . بنابراین در هر موضوعی که به معنویت و آسایش دنیوی بشر ارتباط دارد ؛ اعلام نظر کرده است .

اگر خداوند متعال برای نماز مقدماتی قرار داده ؛ جنبه معنوی و بندگی انسان و ارتباط صحیح و سالم اجتماعی بندگان را هم با این فریضه در نظر گرفته است . وقتی که مقدمه حلال بودن مکان یا لباس نمازگزار را لازمه صحت نماز می داند . نتیجه آن این است که با توجه به این دستور الهی اموال مردم از تصرف نا بحق دیگران محفوظ می ماند. بنابراین هر اندازه در جامعه دستورهای حقیقی دین مبین اسلام عملی و اجرا بشود به آن اندازه جامعه امن تر و سالم تر و شاداب تر خواهد بود و عکس این قضیه هم ثابت است ، که هر اندازه مردم احکام اسلام را رعایت نکنند به همان اندازه در مختل کردن و نامناسب کردن جامعه قدم برمی دارند. و آیه ی ۴۱ سوره روم « ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون » یعنی در دریا و خشکی (در همه جا) فساد آشکار گردید ، بخاطر آنچه انسانها انجام می دهند تا نتیجه بعضی از اعمالشان را بچشند ؛ شاید به راه راست برگردند . خلاصه این که هر اندازه ناهنجاری ، گناه ، حرام در جامعه وجود داشته باشد به همان اندازه مردم دچار مشکل می شوند . یکی از منکرات و مخالفت ها با شریعت پاک اسلام احتکار طعام و کالاهای ضروری مسلمین است . احتکار، اضطراب ، گران فروشی و اجحاف را بدنبال خواهد آورد.

احتکار سبب می شود که عده ای بناحق صاحب ثروتی شوند و عده ای ضرری را بناحق متحمل بشوند. برطبق احادیث معتبر اسلامی محتکر اهل جهنم است و بوی بهشت به وی نمی رسد زیرا کارش حرام و عملش سبب خشم خداوند و پیامبر(ص) است .

علاوه بر اینها در دنیا حاکم شرع محتکر را مجبور به فروش کرده و کالایش در بازار مسلمین فروخته می شود و اگر در قیمت اجحاف کند به نزول قیمت و یا به قیمت عادلانه ، کالایش فروخته می شود .

علت اینکه خداوند با معاملات غیر مشروع از قبیل کم فروشی و غش در معامله، احتکار و تبانی در معاملات مخالفت می نماید این است که این نوع معاملات نتیجه اش به جز بی انصافی و افزایش کاذب قیمت ها و مواجه کردن انسانها با مشکلات نیست.

در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است که فرموده اند: « نشانه رضایت خداوند از مردم عدالت حاکمشان و ارزانی قیمت هایشان است و نشانه غضب خداوند بر مخلوقاتش ستم حاکمانشان و افزایش قیمت هایشان است. » باید مسلمین بدنبال افزایش قیمت کاذب نباشند و برای آسایش جامعه ی خود تلاش کنند با منکرات مقابله کنند و کارهای پسندیده را در جامعه رواج دهند تا اینکه هم در این دنیا در آسایش باشند و هم در جهان آخرت از بهشت و رضوان الهی بهره مند شوند.

مومنین باید توجه کنند، هدف از پول و ثروت در فرهنگ اسلامی رفع نیازهای مادی و معنوی و ایجاد زمینه ی مثبت برای کار و تلاش است تا بدین ترتیب هرکس برای جامعه خود انسانی مفید بشود و مشکلی از مشکلات جامعه را حل کند. چنین تلاش مثبتی است که امام صادق (ع) آن را می ستایند و می فرمایند:^۱

« الكاذ علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله یعنی کسیکه برای خانواده اش از طریق حلال کار و تلاش می کند مانند مجاهد راه خداوند است. » اما اگر این حرکت مثبت از مسیر خود منحرف بشود و فقط برای جمع آوری مال از هر طریقی و بصورت بی حد و حصر باشد ولو اینکه دیگران محروم بشوند و یا در بین مردم شکاف طبقاتی با فاصله زیادی ایجاد بشود و یا دیگران در رنج و درد باشند. چنین حرکتی همان است که خداوند در سوره تکاثر ذم کرده و فرموده است: « اَلْهَلْکُمُ التَّکَاثُرُ^۲ یعنی جمع آوری مال شما را مشغول کرده است و در ادامه می فرماید:

« سرانجام کار شما مواجه شدن با جهنم است. »

بنابراین همه ی ما باید در اصلاحات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه اسلامی تلاش کنیم. از کارهایی که جامعه را اصلاح می کند، انجام معاملات مشروع، عادلانه، منصفانه با مردم و اجتناب و مقابله با احتکار است.

برای مقابله با احتکار علاوه بر استفاده از قوانین مشروع آحاد مسلمین به حسب فریضه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دارند که با احتکار مقابله کنند. یعنی محتکر را ارشاد نمایند و اگر در این امر موفق نشدند باید به مسئولین امر اطلاع بدهند برای حفظ نظم و جلوگیری از برخوردهای نادرست نباید خود مستقیماً با محتکران برخورد بکنند و وظیفه مقابله ی عملی با احتکار را به مسئولین قانونی محول نمایند.

۱- کلینی، محمد بن یعقوب: اصول کافی، ج ۵ ص ۱۶۲ باب الاسعارج ۱

۲- همان، ج ۵ ص ۸۸ ح ۱

۳- سوره تکاثر آیه ۱ و ۳

درضمن در زمانه‌ی بحرانی و گرانی با یکدیگر با اغماض، انصاف و برادری رفتار کنند و در جلوگیری از آشفته‌گی بازار تلاش کنند گرچه این عمل مستحب است لیکن این روش و سیره ائمه ما بوده است بطوریکه از امام صادق (ع)^۱ نقل شده است که وقتی که در مدینه غذا کمیاب شده بود به غلامانش دستور می‌دهد که غذای خود را روزنه تهیه بکنند و غذاهای موجود خود را برای مقابله با آشفته‌گی بازار بفروشند و قسمتی از غذای خود را از نوع ارزان قیمت تهیه بکنند. فروسندگان هم باید رفتار آن حضرت را الگوی خود قرار دهند و به دنبال سود بیش از اندازه نباشند و صاحبان حرف و صنایع هم در ایجاد گرانی نباشند.

احتکار در معنای عام ابعاد مختلفی دارد ممکن است احتکار در درون یک جامعه و یا دولتی واقع بشود و یا میان دولت‌ها باشد یعنی دولتی منابعی را احتکار کند تا دولت‌های دیگر را از این طریق استثمار کند و همچنین ممکن است احتکار در علوم و فنون باشد یعنی کشوری اطلاعات علمی خودش را از دیگران پنهان کند و در پی انتقال آن به دیگران نباشد که امروزه این شکل از احتکار رایج‌ترین شکل آن است و یا کسی در جامعه‌ای علوم و فنون خود را به افراد جامعه منتقل نکند؛ قطعاً این نوع احتکار هم دوزاخ اخلاق انسانی است. زیرا انسانها در هر آئینی که باشند و حتی اعتقاد دینی هم نداشته باشند، از جنبه انسانی وابسته به یکدیگر هستند و باید در رفع وابستگی به یکدیگر کمک کنند. و محروم کردن دیگران سبب محرومیت جامعه انسانی می‌شود و بهره‌مند کردن انسانهای دیگر به هر نحوی بخصوص در علوم و فنون سبب آبادی جامعه بشری می‌شود.

البته ذخیره کردن پول و یا کالاها برای استفاده در آینده احتکار محسوب نمی‌شود به گونه‌ای که این کار در آینده برای مردم مفید باشد یا در زمان فراوانی کالا انبارکردن آن برای جلوگیری از فاسد شدن احتکار محسوب نمی‌شود بلکه این کار لازم و ضروری است.

هدف این پایان‌نامه آن است که پدیده شوم احتکار را بعنوان عمل حرام و قابل مجازات در دنیا و آخرت بشناساند و تجار و فروشنندگان را به معامله‌ی درست تشویق نماید. چنانکه در عنوان پایان‌نامه مطرح شده است «تطبیق احکام احتکار در فقه اسلامی با قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران درباره احتکار». ابتدا احکامی که در فقه اسلامی درباره احتکار آمده به‌جمالاً بیان نماید. سپس قوانینی که در نظام جمهوری اسلامی ایران تصویب شده جمع‌آوری نماید و مطابقت داده شوند. و اگر قانونی با فقه اسلامی سازگار نباشد به آن اشاره شود تا ضمن توجه به فقه اسلامی در به روز کردن این احکام یعنی در پیویایی فقه اسلامی تلاش نمائیم و در نتیجه از احکام متعالی اسلامی در پیشبرد جامعه مسلمین بهره‌مند شویم و رضایت خداوند را به دست بیاوریم.

از خداوند متعال خواستارم که ما را در شناخت احکام اسلام و عمل به آنها توفیق بدهد و ما را در انجام امور خیر یا قدرت خود یاری نماید. و جامعه‌ی ما را از لوث پلیدی‌ها پاک و از قوانین نجات بخش اسلام بهره‌مند نماید.

مجید ساده دشت

پائیز ۸۵

فصل اول

معانی لغوی و تعاریف اصطلاحی اختکار

فصل اول

معانی لغوی و تعاریف اصطلاحی احتکار

۱-۱ معانی احتکار در لغت

برای حکر (الحکر) این معانی آمده^۱ است : سوء المعاشرة (بد رفتاری) فلانُ يحکر فلاناً : در رفتارش و معاشرتش با وی او را دچار مشقت و زیان کرد والحکر: نگه داری آن چیزی که از طعام و مانند آن از خوردنی ها باشد و معنای آن جمع کردن است. و فعلش : احتکر و صاحبه مُحْتَكِرٌ يتتظر باحتباسه الغلاء یعنی : صاحب کالا به امید افزایش قیمت آن را نگه می دارد .

در کتاب تاج اللغة و صحاح العربیه^۲ : حُكْرَة (بضم حاء) اسم مصدر و احتکار طعام به این معنی آمده است : جمع کردن طعام ، به انتظار گرانی قیمت است .

در کتاب لسان العرب این معانی آمده است^۳ : اصل الحکره (جمع و نگهداری است) الحکر : ذخیره طعام برای گرانی ، و صاحب آن محتکر است .حکره يحکره حَکراً : ظلم کرد ، معاشرتش را بد کرد . کم کرد . الحکر: اللجاجه - الحکر : با حرکات ح و ک - آب کم جمع شده - کم از غذا و کم از شیر

درفرهنگ جامع^۴ عربی ، فارسی که گزیده المنجد است در ماده (الحکر) این معانی آمده است : الحکر و الحُکر : آب یا غذای اندک ، احتکار کردن ، نگهداری کالا برای گران تر شدن قیمت آن الحکر : آدم لجوج و ستیزه کننده .حکر- حَکراً : ستم کرد ، بدرفتاری کرد ، مذمت و بد گویی کرد حکرأ یا لامر: استبداد ورزید.

۱- الفراهیدی ، عبدالرحمن التخلیل بن احمند: زیر لغت حکره کتاب العین .

۲- جوهری ، اسماعیل بن حماد : زیر ماده حکره ، ص ۶۳۵

۳- ابن منظور ، محمد ابن مکرم : لسان العرب . ص ۲۰۸ ماده الحکر

۴- رحیمی نیا ، مصطفی : ترجمه المنجد به فارسی ، ص ۲۲۷ ماده الحکره

در قاموس المحيط^۱ درباره لغت احتکار (حکیر) این معانی آمده است: الحکر: الظلم، بد رفتاری، چیز اندک، لجاجت، استبداد در چیزی
ما أحتکر: ای احتبس انتظاراً لغلاًئه (به خاطر گران تر شدن قیمت کالا، جنس را احتکار کرد)
با توجه به معانی متعدد این لغت، این معانی از دو جنبه قابل بررسی است:
الف - از لحاظ ارتباط لغت حکر با معانی مختلفش

معانی مختلف هر لفظ به صورتی که هر معنی برای موضوعی خاص وضع شود؛ اشتراک لفظی نام دارد یعنی این معانی بنابه موقعیت های خاص به وجود آمده اند. البته در معانی لغاتی که به هم نزدیک هستند؛ نوعی ارتباط وجود دارد مثلاً کسی که کالایی را احتکار می کند با مردم در معامله نوعی بد رفتاری می کند و یا مثلاً کلمه عین که به معنی چشم است به معنی جاسوس و مراقب آمده است البته این ارتباط مجازی است اما معانی مختلف احتکار مشترک لفظی هستند ولی احتکار در معنی حبس کالاهای محصوره (طعام یا غلات مشهور) اسم منقول است و به عبارت دیگر منقول شرعی^۲ است مانند صلوة و حج و ... به این معنی که لغت (الحکر) و مشتقات آن در معانی مختلفی آمده است ولی معنی آن در شرع همان حبس و نگهداری کالاهای مخصوص (گندم، جو، کشمش، خرما، روغن و نمک) می باشد. گرچه این معنی چنانکه قبلاً هم گفته شد با معانی دیگر بی ارتباط نیست.

ب - نتیجه گیری از معانی لغوی احتکار:

در اکثر لغت نامه ها معنایی که بیشتر استنباط می شود مفهوم نگهداری کالا برای گرانی است و معانی لجاجت و سوء معاشرت هم از نتیجه این عمل بوجود می آید. به عبارت دیگر کسیکه طعام را برای گران فروشی حبس می کند چنین شخصی نسبت به دیگران سوء معاشرت دارد.
نکته ی دیگری این است که در معنی لغوی حبس جنس بطور مطلق آمده است یعنی جنس خاص را نگفته اند بلکه احتکار و جمع آوری طعام آمده است یعنی از لحاظ لغوی احتکار تمام طعام ها را شامل می شود.

گرچه مفهوم لغت احتکار مطلق است یعنی می تواند حبس و نگهداری تمام طعامها و کالاها و حتی شامل حبس علم و مهارت و تکنولوژی و پول نیز بشود. ولی چون معنی لغوی برای احکام شرعی

۱- فیروز آبادی، مجدالدین شیرازی: قاموس محیط جلد ۲ ص ۱۲ زیر ماده الحکر

۲- منقول شرعی: اگر در لغت برای اسمی معانی مختلفی وضع کنند سپس از آن معنی به معنی دیگری نقل شده باشد اسم منقول می گویند و اگر ناقل اهل شرع باشد آن کلمه، منقول شرعی خواهد بود یعنی حکر معانی خاصی داشت اما در احادیث به حبس و نگهداری کالاهای خاصی نقل شده است

قابل استناد نیست لازم است، علاوه بر معنی لغوی، معنای شرعی و فقهی آن را بررسی بکنیم تا در تعمیم موارد محصوره از زمینه های شرعی دیگر بهره گرفته و دقیقاً از موضوع نتیجه گیری شود. و بالاخره اینکه محتکر در انتظار گرانی یا سود بیشتر است یعنی به سود زمان حال کالا قانع نیست و خواهان سود فراوان می باشد. به عبارت دیگر، محتکر فقط به سود خود توجه می کند و در این فکر نیست که انسانی به آن کالا نیازمند است. و یا توجه نمی کند که ممکن است انسانهایی به علت گرانی نتوانند آن را به دست بیاورند و این توجه به خود و بی اعتنایی به دیگران تقریباً همان معنی استبداد و لجاجت است.

۲-۱ تعریف احتکار در بیان فقهای مشهور شیعه و اهل سنت

شیخ مفید^۱ (ره) در کتاب مقننه^۲ آورده است: «احتکار حبس و نگهداری طعامها است در حالی که مردم شهر بدان محتاج باشند و به سبب احتکار کار بر آنها دشوار شده و در تنگنا واقع شده باشند چنین عملی مکروه است. و اگر غلات فراوان و در شهر به اندازه کفایت موجود باشد حبس و نگهداری آنها کراهت ندارد و اگر صاحبانش برای سود بیشتر (در زمان وسعت) نگهداری بکنند مکروه نیست اگر مردم ظاهراً به آن غلات نیازمند باشند حاکم می تواند محتکر را برای توزیع و فروش مجبور کند تا آنها را در بازار مسلمین بفروش برساند و حاکم بنا بر مصلحت بر آن کالاها قیمت گذاری بکند. و قیمت گذاری باید به شکلی نباشد که صاحبان آنها زیان ببینند.»

شیخ طوسی^۳ در کتاب النهایه^۴ احتکار را چنین تعریف کرده است: «احتکار، نگه داری گندم، جو، خرما، کشمش و روغن است. و در غیر این موارد احتکاری نمی باشد» در ادامه می گوید همانا احتکار زمانی محقق می شود که مردم به آن اجناس احتیاج شدید دارند و به غیر از آن طعام در شهر طعامی یافت نشود.

در نظر شیخ صدوق^۵ احتکار امساک و نگهداری و نفروختن طعامی است در شهری که غیر از آن طعام نباشد و در گندم و جو و خرما و چشمش و روغن و زیتون واقع می شود.

- ۱- محمد بن محمد نعمان از فقهای بزرگ شیعه در قرن چهارم می باشد وی شاگرد شیخ صدوق و استاد شیخ طوسی بود و کتب متعددی در فقه و اصول از وی باقی مانده است و ی به سال ۴۱۳ در بغداد در گذشت.
- ۲- شیخ مفید، محمد بن نعمان: المقننه، ص ۶۱۶ و ص ۶۱۷
- ۳- ابی جعفر محمد بن حسن بن علی الطوسی از علمای و فقهای بزرگ شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری می باشد. وی موسس حوزه علمی نجف بودند و کتابهای زیادی درباره فقه و اصول نوشته است از جمله آنها النهایه، مبسوط و استبصار هستند (به نقل از کتاب الذریعه آغا بزرگ تهرانی)
- ۴- شیخ طوسی، جعفر: النهایه، باب احتکار ص ۳۷۴
- ۵- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه: استاد شیخ مفید، المقننه، ص ۳۷۲

علامه حلی^۱ پس از ذکر موارد شش گانه نمک را هم اضافه کرده و برای احتکار دو شرط آورده است :

۱- نگهداری برای زیاد شدن قیمت کالا

۲- مشکل بودن پیدا کردن آن طعام به غیر از محتکر

محقق حلی^۲ گفته است : « احتکار نگهداری طعام های مردم است. » و سپس همان مواردی

که علامه حلی گفته به عنوان موارد احتکار آورده است

ابن براج^۳ گفته است : « احتکار غلات زمانی است که مردم فاقد آنها باشند و نیاز شدید به

آنها داشته باشند.

ابن ادريس^۴ گفته است : « احتکار هنگامی مورد نهی است که در مردم نیاز شدید به اجناس

چهار گانه باشد و در شهر جز در دست محتکر نباشد »

ابن حمزه^۵ در کتاب الوسيله^۶ درباره احتکار آورده است احتکار در شش چیز است .

(همان موارد مذکور) اگر احتیاجی نباشد احتکار محقق نمی شود اما اگر نیاز به کالاهای مذکور باشد

احتکار در مدت زمان سه روز در گرانی و چهل روز در فراوانی محقق می شود.

شهید اول^۷ در کتاب دروس^۸ گفته است احتکار نگهداری غلات چهار گانه و روغن و نمک

علی الاقرب در آن دوه به علت گران فروشی آنها .

ابن فهد الحلی^۹ احتکار را حبس اقوات دانسته و منظورش همان موارد شش گانه است .

محقق بحرانی^{۱۰} و سید علی طباطبائی احتکار را جمع طعام و نگهداری آن برای افزایش

قیمت تعریف کرده اند.

۱- علامه حلی ، حسن بن یوسف : از فقهای بزرگ شیعه در قرن هفتم ، قواعد ، ج ۲ ص ۱۱

۲- محقق حلی ، جعفر بن حسن : از علمای بزرگ شیعه در قرن هفتم صاحب کتابهای مانند شرایع و مختصر می باشد وی دانی و استاد علامه حلی بوده است ، مختصر ص ۱۲۰

۳- ابن براج ، عبد العزیز : مهذب ، جلد اول ، ص ۳۴۶

۴- ابن ادريس ، ابی جعفر : کتاب سرائر ، ج ۲ ص ۲۱۸

۵- ابن حمزه طوسی (مشهدی) از علمای قرن ششم می باشد و درباره وی به علت مشترک بودن مشخصات وی با افراد دیگر اظهارات متفاوتی شده است آنچه که درست تر به نظر می رسد شهرت وی به قید مشهدی می باشد و متوفی به سال ۵۶۰ می باشد .

۶- ابن حمزه ، عماد الدین طوسی : کتاب الوسيله ، ص ۲۶۰

۷- شمس الدین محمد بن مکی العاملی مشهور به شهید اول از علمای بزرگ شیعه در قرن هشتم و صاحب کتاب مشهور (لمعه) و کتابهای دیگر است وی به علت بیان نظراتش با مخالفتی مواجه شد و حاکم دمشق زندانی کرده و در نهایت شهید شد .

۸- شهید اول ، محمد بن جمال مکی : دروس ، ج ۳ ص ۱۸۰

۹- ابن فهد ، احمد بن محمد : المهذب البارع ، ج ۲ ص ۳۶۷

۱۰- بحرانی ، یوسف : الحقائق الناظره ، ج ۱۸ ص ۵۸ و سید علی طباطبائی در ریاض المسائل ، ج ص ۵۲۱

شیخ انصاری^۱ درباره احتکار گفته: «احتکار طعام، نگهداری آن برای گرانی است» نظر شهید ثانی^۲ در کتاب شرح لمعه^۳ درباره احتکار بدین گونه است: «احتکار نگهداری طعام به امید گرانی است در صورت نیاز مردم به آن»

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب بیع خودشان (جلد ۳ ص ۴۱۰) در باره احتکار فرموده: «احتکار نگهداری طعام برای گرانفروشی است و علی الاقوی حرام است.» در این باره نظر تعدادی از فقهای مشهور اهل سنت را در رابطه با احتکار می آوریم: رملی و نووی شافعی احتکار را چنین تعریف کرده اند: «احتکار خرید طعام در وقت گرانی است تا اینکه نگهداری بکنند و بعد از آن در زمان مضیقه (گرانی و احتیاج) به قیمت بیشتر بفروشند»^۴؛

در سنن ابی داوود^۵ آمده است: ابو داوود گوید: «از احمد پرسیدند احتکار چیست؟ گفت: آنچه در آن معیشت مردم باشد.» در نظر مالکی^۶ احتکار نگهداری و نفروختن هر چیزی است که به بازار زیان می رساند. و نظر مالک بن انس چنین است.

ابوبکر کاشانی^۷ حنفی در کتاب بدایع الصنایع^۸ آورده است: «احتکار آن است که طعامی را از داخل شهر خریداری کرده و از فروش آن خودداری کند به گونه ای که چنین عملی به مردم زیان برساند و همچنین طعامی را از نزدیکی و اطراف شهر کوچکی خریداری کند که معمولاً طعام به شهر مذکور حمل می شود و این عمل سبب زیان دیدن اهل شهر بشود چنین کسی محتکر است. نظر ابی یوسف حنفی این است که: «هر چیزی که به عموم مردم زیان برساند نگهداری آن احتکار است»^۹.

- ۱- شیخ مرتضی محقق انصاری از بزرگترین علمای متأخر است که به علت ابتکارات بی نظیر او را مجدد فقه و اصول می دانند و کتابهای ارزشمند او فرائد و مکاسب به عنوان کتب درسی توسط مراجع شیعه سالهاست که تدریس و بحث می شود وی از شاگردان ملا احمد نراقی صاحب جواهر می باشد و در سال ۱۲۸۱ ق در نجف رحلت نمود و در همان جا مدفون شد.
- ۲- زین الدین محمد بن جمال الدین مکی العالمی مشهور به شهید ثانی از اکابر فقهای شیعه در قرن دهم می باشد وی هم مانند شهید اول توسط مخالفان شهید شده است و علاوه بر شرح لمعه کتاب مسالک الافهام را نوشته است
- ۳- شهید ثانی، زین الدین: شرح لمعه، ج ۳ ص ۲۹۹
- ۴- مجلس اعلائی فرهنگی مصر: کتاب موسوعه الفقه الاسلامی، ج ۳ ص ۱۹۵ کلمه احتکار
- ۵- السجستانی، ابو داوود: سنن ابی داوود، ج ۳ ص ۱۳۴
- ۶- مالک بن انس: مدونه الکبری، ج ۴ ص ۲۹۱
- ۷- ابوبکر کاشانی حنفی ملقب به ملک العلماء صاحب کتاب بدایع در فقه حنفی است. و متوفی به سال ۵۸۷ است.
- ۸- کاشانی، ابو بکر: بدایع الصنایع، ج ۵ ص ۱۲۹
- ۹- جمعی از علمای مصر: کتاب موسوعه الفقه الاسلامی، ج ۳ ص ۱۹۴ کلمه احتکار

ابن قدامه حنبلی در کتاب مغنی احتکار را چنین تعریف کرده است^۱: «احتکار حرام احتکاری است که در آن سه شرط باشد: ۱- آن کالا را بخرد.

۲- آن کالای خریداری شده غذا (طعام) باشد. ۳- با خریدش مردم را در تنگنا قرار بدهد.

۳-۱ معنی و مفهوم احتکار در روایات و احادیث اسلام (بیان شرعی احتکار)

در قرآن که منبع اصلی شریعت اسلام است، احتکار دقیقاً به لفظی که در کلام پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) بیان شده به همان الفاظ نیامده است؛ اما در دو آیه شریفه مفاهیمی نزدیک به احتکار آمده است. البته قصد ما از آوردن این دو مورد اثبات دلیلی مبنی بر احتکار نیست گرچه در فصل های بعدی در مبحث احتکار پول بحث خواهد شد. یکی از آیات مذکور، آیه دوم سوره همزه است و معنی آیه چنین است:

وای بر کسانی که با اشاره چشم و ابرو به بندگان خداوند طعنه می زنند آنهایی که پول را جمع می کنند و می شمارند و فکر می کنند که مالشان به او جاودانگی می بخشد.....

خداوند در این آیه جمع آوری حریصانه پول را مذمت می کند.

و در قسمتی از آیه مبارکه ۳۴ سوره توبه در قسمتی از آیه خداوند بیان می کند:

..... کسانی که طلا و نقره را بصورت گنجی جمع می کنند و به مردم انفاق نمی کنند بر ایشان عذابی دردناک را مژده بده.

در این آیه جمع و ذخیره کردن پول و عدم بکارگیری درست آن در جامعه سرزنش شده است، توضیح آیات مذکور در فصل سوم خواهد آمد.

پس از قرآن احادیث در رابطه با احتکار از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) آمده است تمام جوانب این مسأله را روشن نموده اند که در این بخش به مناسبت موضوع به بعضی از آنها اشاره می شود:

در کتاب وسایل الشیعه^۲ از حماد از حلی از امام صادق (ع) درباره احتکار از آن حضرت سؤال شده و امام فرمودند: «احتکار آن است که طعامی را در شهر خریداری بکنی که جز آن طعام در آن شهر طعام دیگر نباشد و آن را انبار کنی، اما اگر در آن شهر طعام یا کالاهایی غیر از آن وجود داشته باشد (برای فروش) اشکالی ندارد که از کالاهای خود سود بیشتر ببرد.» راوی می گوید درباره حکم روغن زیتون سؤال کردم امام فرمودند: «اگر فروشنده ای غیر از تو باشد انبار کردن آن

۱- ابن قدامه، عبد الله: کتاب المغنی، ج ۴ ص ۲۲۰

۲- محمد بن حسن حر عاملی، پیشین، ج ۱۷ باب ۲۸ از ابواب تجارت حدیث یک و اصول کافی ج ۵ ص ۱۶۴ حدیث ۱۶۵

اشکالی ندارد...» این حدیث شرط تحقق احتکار را زمانی می داند که فقط طعام در دست محتکر است و به غیر از آن طعامی وجود ندارد .

علی ابن ابراهیم از پدر از ابن ابی عمیر از حماد از حلی^۱ از امام صادق (ع) درباره کسیکه به منظور گران شدن ، طعام را احتکار کند سئوال کردم آیا جایز است ؟ امام فرمودند : « اگر طعام فراوان باشد و مردم در مضیقه قرار نگیرند عیبی ندارد اما اگر کمیاب باشد کراهت دارد^۲ که طعام را احتکار کند و مردم را بدون طعام در سختی بگذارد .»

به نظر مولف کتاب (حرّ عاملی) کراهت بر حرمت حمل می شود و از لحاظ مفهوم با حدیث قبلی نزدیک به هم هستند.

محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم از پدرش از نوفل از سکونی^۳ از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمودند : « احتکار در فراوانی چهل روز و در زمان شدت و گرانی سه روز است و مازاد بر چهل روز در فراوانی صاحبش ملعون است . و مازاد بر سه روز در زمان شدت و گرانی صاحبش ملعون است .»

عن محمد بن یحیی عن غیاث عن ابی عبدالله^۴ (ع) قال : « احتکاری نیست مگر در گندم ، جو ، خرما ، کشمش و روغن .»

این حدیث در من لایحضر الفقیه جلد ۳ ص ۱۶۸ با اضافه زیت (روغن زیتون) آمده است .

عن ابی مریم عن ابی جعفر^۵ (ع) ، قال رسول الله (ص) : « هر گاه شخصی طعامی بخرد و احتکار کند ، و به امید گرانی (گران فروشی) بر مسلمین چهل روز نگهداری کند ؛ سپس بفروشد و صدقه بدهد کفاره عملش نمی شود .»

عبدالله بن جعفر در قرب الاسناد از ابی البختری^۶ از جعفر بن محمد از پدرش نقل کرده است که : « علی (ع) از احتکار نهی می فرمودند . و می گفتند احتکاری نیست به جز در گندم ، جو ، خرما ، کشمش و روغن .»

۱- همان ، ج ۱۷ باب ۲۷ از ابواب تجارت حدیث ۲ و تهذیب ج ۷ ص ۱۶۰ - استبصار ج ۳ ص ۱۱۵ - کافی ج ۵ ص ۱۶۵ باب الحکره .

۲- لفظ کراهت از نظر لغت و اصطلاح قرآن و سنت اعم از حرمت و کراهت اصطلاحی نزد فقها است و چون در این حدیث در جواب جایز بودن و جایز نبودن آمده است ظهورش در حرمت اقوی است . نظر حر عاملی پس از بیان این حدیث این است که کراهت حمل بر حرمت می شود .

۳- محمد بن یحیی عن ابی جعفر ، پیشین ، ج ۱۷ و ب ۲۷ از ابواب تجارت حدیث یک - کافی ج ۵ ص ۱۶۵ ح ۷ - و تهذیب ج ۷ ص ۱۵۹

۴- همان ، ج ۱۷ و ب ۲۷ از ابواب تجارت حدیث چهار

۵- همان ، ج ۱۷ ص ۴۲۷ باب ۲۷ از ابواب تجارت حدیث ۶

۶- همان ، ج ۱۷ ص ۴۲۷ باب ۲۷ از ابواب تجارت ح ۷